

عکس العمل انسان

در برابر حوادث

* خویشتن را پذیرفته اند؟

* اگر اجتماع تأیید نکند...!

باید خویشتن را بپذیریم

اگر بر شهر خیر خیال سوار شده، از انسانها و محیط زندگی آنان دور شویم و از دور گریه جاک و انسانها دور نظر آوریم، از سیبکامان که خورشید در رخشان چهره زمین را روشن می سازد تا شاکامان منظره های گوناگونی پیش ما میخورد، عده ای میگویند گرومی میخندند، برخی در تلاش و تکاپوی شدیدند و من از زندگی سیر گشته اند با اینکه اسمعلائی آفتاب بطوریکسان همه تابیده، ولی عده ای آن روز را روز خوشبختی و گرومی آن را روز بدبختی نام میگذارند.

بدیهی است حوادثی که برای مردم از کوچک و بزرگ روی میدهد، همه یکسان نیست عده ای جلومیروند، پیشرفت می کنند، گرومی دیگر عقب گرد نمودن شکست میخورند، گروه اول خندان و شادان بوده آن روز را **یصال نیک** می گیرند گروه دوم ملول و متأثر شده آن روز را **فحس** خوانند شرمه.

باید توجه داشت که تحقق حوادث زندگی گرچه خود در بنیاد و بدبختی افراد مؤثر میباشد، ولی آنچه که برتر از همه قرار دارد، عکس العمل خود انسان است، بزرگترین عاملی که سعادت و بدبختی را تأمین می کند همین **عکس العمل** است، مثلاً روز در امتحان دانشگاه مرودود میشود، یکی از این جریان ناراحت شده خود خوری کرده از زندگی سیر می گردد،

فرد دیگری از این شکست ناراحت میشود ولی این ناراحتی تحول عینی در او بوجود میآورد، علاوه بر اینکه این شکست او را پدیدت نمود، بلکه همانند ذلك پیدار باشی، همه قدرت ما و استمدادهای نهفته او را پیدار کرد.

بنابراین می توان چنین استنباط کرد که حوادث زندگی و گردش شهور، کسی را خوشبخت و بدبخت نمی کند، بلکه این خود انسانها هستند که در مقابله با حوادث زندگی گرومی خود را خوشبخت و عده ای خود را بدبخت میسازند.

عده ای از افراد اجتماع اسلأ خود خوردند، با کوچکترین جریانی سادت و آرایش خود را اذیت میدهند، این عده نموده اند که خیال و تلقین بدبختی، خود مولد بدبختی است؛ لبخندی که از روی مسامت و خون سردی در مقابل مشکلات حیات می- زقیم، بهتر از هزار آموخته های است که در حریک حوادث اثری ندارد، و فقط اضطراب مارا سخت تر می کند، بیشتر مناسب و مشکلات با آنهاست که بقوه خیال برای خودمان ایجاد کردیم، و در عالم خارج وجود ندارد، و اگر وجود داشته باشد، آنقدرها مهم نیست.

از آغاز پیدایش کرم زمین مقابله با مشکلات و روبرو شدن با دشواری های زندگی امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده است، و از همان روزهای اولیه زندگی، عده ای خود را خوشبخت میدانستند و عده ای بدبخت گنای زندگی رنج برده از زندگی مأیوس بودند.

در اینجا ناگزیریم اعتراف کنیم: تحقق مشکلات و روبرو خوردن با دشواری ها چندان مهم و قابل توجه نیست بلکه آنچه که قابل مطالعه و توجه است، نحوه **عکس العمل** شخصی انسانها در برابر حوادث است. بهمارت روشن تر از بر خوردن نامفکر اگر عکس العمل مثبت باشد، علاوه بر اینکه آن حادثه در روح خوردن گمی ما اثر بدی نمیگذارد، بلکه درسی از آن آموخته پیداری و هشدارها افزایش می یابد، و بهمارت دیگر گذشته از اینکه آن جریان خاطر تلخی برای ما پدید نمی آورد، بلکه از آن بهره برداری نموده ایم و حال آنکه ممکن بود همین حادثه شخصی در روان ما اثر بدی میگذارد، و ما نیز آنرا پذیرفته تعادل زندگی را بهم برزیم.

اگر اجتماع تأیید نکند!

البته از نظر مجزیه و تحلیل باید متذکر شد، افرادی که مشکلات زندگی را حل نموده، در برابر دشواری ها مقاومت می کنند، کسانی هستند که خویشتن را پذیرفته اند یعنی بنواقت جسمی و روحی خود پی برده و آنرا قبول کرده اند، و با امکانات و زمینه های موجود بحتک مشکلات میروند بجای خود خوری نمی میکنند، از نیروهای نهفته و ذخیره های انسانی استفاده کنند. در اینجا توجه باین نکته ضروری است: فرق جامعه پیفرقه با غیر آن در اینست که در چنین جامعه ای افعال زنده هیچگاه مورد تأیید اجتماع قرار نمیگیرد، عکس العمل جامعه در

برابر زشتیها طوری است که اصولاً افراد خلافکار مورد استقبال قرار نمیگیرند، و حال آنکه در جوامع عقبمانده دزدی و ارتقاء و سایر خلافکارها مورد تأیید اجتماع قرار گرفته و خلافکاران علاوه بر اینکه سزای و تنبیه نمیشوند بلکه با ابتکارها و وسیله‌های اذیرای اظهار شخصیت آنان میگردد باید باین واقعیت روانی، توجه کرد که افرادی که کمیودعائی دارند معمولاً، به تدارکات کمیودعا اذراءهای دیگر میپردازند چنین فردی وقتی در خود کمیودی را می‌یابد، سعی می‌کند، بخود فشار آورده کمال و ابتکار خود را اذراء بی‌روز دهد، لذا در اجتماع زندگی بسیاری از افراد که از طرحیهای ظاهری دارای نواقص بوده اند، با ابتکار و پشتکار فوق‌العاده خود را به مقاماتی رسانیده اند، انشستین اصل مسائل چهار اصل اصلی عاجز بود، و گاه از فشار کار مدرسه رنج برده ناراحت میشد، ادیسون از همان آغاز، گرفتار محرومیت های شکننده بود، اگر آمارگیری دقیق بعمل آید، معلوم میشود که در میان دانش آموزان، موفقیت و پیشرفت توأم با اذآن افرادی است که از نظر زندگی گرفتار محرومیت های گوناگونی بوده اند.

ترشی بدن و بیماری سرطان

هر روز که می‌گذرد دانشمندان بیشتر بر موضوعات بدن آشنا میشوند چنانکه اخیراً از زیادی ترشی اذراء موفق به تشخیص بیماری سرطان شده‌اند اما باید دانست این ترشی مخصوص و منحصر با اذراء نیست بلکه در تمام بدن وجود دارد و تغییرات این مایع نیز عکس العمل تمام بدن است که باید همیشه تعادلی در ترشی و قلیائی آن برقرار باشد، هر عضو و مایعی در بدن مقدار معینی ترشی یا قلیائی دارد که آنرا علامت «پ» می‌گویند و از روی آن، درجه و مقدار ترشی یا قلیائی آنها را معین می‌کنند «پ» را وسیلهٔ مقیاس خاصی که با اعداد (۱-۱۴) تعیین می‌شود می‌سنجند (پ) در یک عدد (یک) حداکثر ترشی و عدد (۱۴) حداکثر قلیائی است و میزان و حد اعتدال بین ترشی و قلیائی بدن «پ» می‌باشد که در واقع خنثی است...

تا حال تصور می‌کردند این «پ» منحصر به اذراء بدن است ولی امروز ثابت شده است که اعضاء بدن حتی پوست هم دارای «پ» خاصی می‌باشد. خون انسان دارای «پ» ۷/۳۵-۵ است یعنی مختصر قلیائی است بزاق در حدود ۶/۸ تا ۷/۲ «پ» ۵ و عصاره دوده ۷/۷ «پ» ۵ دارد در اذراء دائماً «پ» ۵ تغییر می‌کند، ترش‌ترین مایع بدن عصاره معده است که به ۱/۳۰ «پ» ۵ و ترشی آن هم خیلی غلیظ است (دانشنامه شماره ۱۰ سال ۴۶)